

## «پرویزخان»

سال ۱۴۰۲ - ایران



یا تسلیم شود؟ آیا واقعا در صورت حمایت همه جانبه از این تیم، نتیجه بازی ها چیزی خواهد بود که انتظار دارد با حق با کسانی است که همواره اصول و شیوه بازی او را مورد انتقاد قرار داده اند؟ در واقع اکنون خود دهداری، در دوراهی حفظ اصول اخلاقی خود و تصمیم گیری به صلاح کشور قرار گرفته است و باید این تعارض را حل کند. فیلم «پرویزخان» در خلال داستان خود که تا حد زیادی مستند به اتفاقات و خصوصیات شخصیتی واقعی آدم ها است، توانسته لایه های مختلفی از مسائل ورزشی را طرح کند؛ فیلم هم در لایه توسعه فردی و تیم سازی و چالش های آن نکات جالبی دارد و هم از جهت اهمیت و تأثیر گذاری فوتبال ملی و چالش ترجیح مصالح جمعی بر فردی، موقعیتی جدید را مطرح می کند. همچنین در حالی که در فیلم های خارجی، امکان تجربه حس نوستالژی یک و مرور خاطرات مشترک ایرانی وجود ندارد، این فیلم به دلیل آشنا بودن شخصیت ها و پرداختن به حس مشترکی که همگی هر چند مدت یکبار آن را تجربه می کنیم، موجب همذات پنداری بیشتر مخاطب می شود.

فیلم باشکست فوتبال ایران مقابل کویت در بازی های آسیایی سال ۱۹۸۶ سئول آغاز می شود. دهداری در بازی با کویت، بازی یکی که از اصول و دستوراتش تخطی کرده بود را با وجود گلزنی، مورد مؤاخذه قرار می دهد. بعد از بازگشت از مسابقات، ۱۴ نفر از بازیکنان اصلی تیم به دلیل مخالفت با پرویز دهداری، سرمربی تیم ملی، استعفا می دهند. آنها معتقدند دهداری سختگیری های بی موردی دارد و بر اصول اشتباه بازی زمینی پافشاری می کند. با این استعفا، ترکیب اصلی تیم ملی از دست می رود. مسابقات مقدماتی المپیک ۱۹۸۸ قرار است چند ماه دیگر برگزار شود؛ در این شرایط فشار روزنامه ها و مردم به دهداری برای استعفا بالایی رود اما او معتقد است که تیم ملی چیزی نیست که بتوان از آن استعفا داد و رفتار ورزشکاران بسیار بد بوده است و نباید در برابر آن کوتاه آمد.

در آن شرایط سخت داخلی که کشور درگیر جنگ تحمیلی است، بازی بعدی با کویت، جنبه های حیثیتی و سیاسی جدی تری نیز دارد که بر اهمیت آن می افزاید. در این میان، حمایت از بازیکنان یا دهداری هم دستمایه گروه های سیاسی می شود و برخی از نمایندگان مجلس تلاش می کنند تا با فشار به رئیس فدراسیون، دهداری را مجبور به استعفا بکنند و حتی رای کمیته اخلاق را که علیه بازیکنان است، تغییر دهند. در میانه این کشاکش های سیاسی و جنگی، دهداری به دنبال یافتن بازیکنانی جدید برای تیم ملی، کوچه پس کوچه ها و تیم های کوچک و شهرستانی راهم رصد می کند و چندین نیروی جوان و غیر حرفه ای را به اردوی تیم ملی دعوت می کند. از بازیکنان قدیمی نیز تنها دو نفر، باوی و قایقران، که در آن استعفا نقشی نداشته یا از آن ابراز ندامت کرده اند، در تیم حضور دارند. بعد از تلاش زیادی که دهداری برای آموزش و آماده سازی این تیم جدید انجام می دهد، با فشار سیاسی، از او خواسته می شود که برای خط حمله تیم ملی، یکی از بازیکنان مستعفی را به تیم برگرداند؛ در واقع مخالفان دهداری که می دانند او از اصول خود کوتاه نمی آید، این اجبار راهی غیر مستقیم برای اجباری کردن استعفا او می دانند.

دهداری که عملا به فکر کنار گذاشتن منصب مربیگری است؛ با دیدن اخراج بازیکنان جوان و جدید تیم ملی از کمپ تمرینی شان، دچار دوراهی دشواری می شود؛ آیا باید برای نجات انگیزه و غرور و آرزوی این جوانان، از اصولی که یک عمر روی آنها پافشاری کرده است بگذرد

